Scientific-Research Quarterly Siasat-e Motalieh
14th Year, No. 53, 2026

Globalization and the Conditions for the Advent

Mohammad Reza Salemi[1], **MohammadAli Kafaeifar**[2]

[1] *Ph.D. Student, Department of Public Law, Faculty of Humanities, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. Mf13550101@gmail.com*

[2] *Department of Public Law, Faculty of Humanities, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran* ***(Corresponding author).*** *Ma.kafaeifar@gmail.com*

Abstract

Globalization has contributed to the shrinking of the world and the emergence of what Marshall McLuhan termed the "global village." This development has even prompted some thinkers to speak of the "end of history." Although globalization has brought numerous benefits, including expanded communication, information exchange, and transportation, it has also contributed to the spread of crises and growing discontent. This study examines selected characteristics of the economic, political, and cultural dimensions of globalization and their role in shaping the conditions for the advent of the promised Mahdi. The central research question is: What role does globalization play in creating the conditions for the advent? The findings indicate that, politically, globalization has weakened national sovereignty and heightened political awareness across societies. Economically, it has facilitated technological, scientific, and industrial advances while exposing the inability of international institutions to promote economic prosperity, thereby fostering public disillusionment with political authorities. Culturally, it has intensified encounters among diverse cultures and eroded cultural boundaries. These developments have created favorable conditions for raising global awareness of the promised Mahdi and fostering a growing aspiration across societies for his advent and the establishment of his universal government.

Keywords: globalization, Mahdism, the advent, the Savior's government, politics, economy, culture.

Received: 2025-08-25 ; **Received in revised form:** 2025-11-19 ; **Accepted:** 2025-12-05 ; **Published online:** 2026-03-30
https://doi.org/10.22034/sm.2023.1988449.2019
© the authors
http://sm.psas.ir **Article type:** Research Article
Publisher: Political Studies Association of the Seminary

فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه
سال ۱۴، شماره ۵۳، ۱۴۰۵

جهانی‌شدن و زمینه‌های ظهور

محمدرضا سالمی[۱]، محمدعلی کفایی‌فر[۲]

[۱] دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
Mf13550101@gmail.com

[۲] گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (**نویسنده مسئول**).
Ma.kafaeifar@gmail.com

چکیده

موضوع جهانی‌شدن موجب کوچک شدن جهان و درنهایت به تعبیر مارشال مک لوهان، پیدایش دهکده جهانی شده است. حتی چنین وضعیتی برخی را بر آن داشته است که از «پایان تاریخ» سخن بگویند، به گونه‌ای که از یک‌سو مزایای زیادی چون گسترش ارتباطات و تبادل اطلاعات، حمل و نقل و... داشته و از سوی دیگر گسترش بحران‌ها و نارضایتی را به دنبال داشته است. هدف این پژوهش تبیین برخی ویژگی‌های بُعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جهانی شدن و نقش آنها در زمینه‌های ظهور است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که جهانی‌شدن چه نقشی در زمینه‌های ظهور دارد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که جهانی شدن در عرصه سیاستی موجب تضعیف حاکمیت ملی، افزایش آگاهی‌های سیاسی جوامع بشری و...، در عرصه اقتصادی موجب پیشرفت‌های فناوری، علمی و صنعتی و ناتوانی نهادهای بین‌المللی در رونق اقتصادی و ناامیدی مردمان از حاکمان خود، و در بُعد فرهنگی رویارویی فرهنگ‌های متنوع و از بین رفتن مرزهای فرهنگی و... شده است. این عوامل بستر و زمینه مناسبی را برای آگاهی‌بخشی جهانی نسبت به مهدی موعود و تقاضامندی جوامع بشری به ظهور و حکومت جهانی ایشان فراهم آورده است.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌شدن، مهدویت، ظهور، حکومت منجی، سیاست، اقتصاد، فرهنگ.

استناد به این مقاله: سالمی، محمدرضا؛ کفایی‌فر، محمدعلی (۱۴۰۵). جهانی‌شدن و زمینه‌های ظهور. *سیاست متعالیه*، ۱۴(۱): ص۱۲۵-۱۴۴.
https://doi.org/10.22034/sm.2023.1988449.2019

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ ؛ **تاریخ اصلاح:** ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۹/۱۴ ؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه **نوع مقاله:** پژوهشی http://sm.psas.ir

© the authors

مقدمه

برخی نظریه‌پردازان منشأ جهانی‌شدن را در تمدن‌های کهن جستجو کرده‌اند. مفهوم جهانی‌شدن موضوعی تاریخی و کهن و تقریباً پذیرفته‌شده است که همه پیامبران به نوعی ادعای جهانی بودن داشتند (افروغ، ۱۳۸۷: ص۱۵). جهانی‌شدن سابقه‌ای طولانی در تاریخ دارد و بسیاری از افراد، دولت‌ها و مکاتب تلاش کرده‌اند تا دولت یا اندیشه خود را جهانی کنند و ادیان توحیدی همواره ادعا کرده‌اند که جهانی هستند و محدود به مکان و زمان خاصی نیستند (واترز، ۱۳۷۹: ص۳۱). مارکسیست‌های رادیکال جهانی‌شدن را صورت جدیدی از استعمار و آخرین مرحله امپریالیسم بیان می‌کنند (هلد و مک‌گرو، ۱۳۸۲: ص۹۶-۱۲۴) رابرتسون جهانی‌شدن را سرآغاز مدرنیته و پیدایش سرمایه‌داری معرفی می‌نماید (رابرتسون، ۱۳۷۱: ص۲۵). برخی اندیشمندان نظیر گیدنز اعتقاد دارند که با شکل‌گیری مدرنیسم، جهانی‌شدن نیز آغاز شده و این پدیده را چیزی جز گسترش مدرنیسم نمی‌داند (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵: ص۴۸). جهانی‌شدن پدیده مهم و نوظهوری است که به عنوان یک فرایند در همه عرصه‌های زندگی بشری، پیچیدگی‌های زیادی را بوجود آورده است. از یک طرف ما شاهد توسعه و گسترش صنعت و فناوری اطلاعات، و از طرف دیگر شاهد گسترش و فراگیری روزافزون بحران‌ها، نارضایتی‌ها، ظلم‌ها، خشونت‌ها و بی‌عدالتی‌هایی هستیم که از برخی ابعاد جهانی‌شدن ناشی می‌شوند. جهانی‌شدن مفهومی است که در طول دهه‌های گذشته به مفاهیم حوزه‌های علوم اجتماعی، سیاست، فرهنگ و اقتصاد وارد شده است. این واژه به دلیل نو بودن و گستردگی، و به دلیل موافقت‌ها یا مخالفت‌های اهالی سیاست، باعث شده تا جمعی از صاحب‌نظران آن را دنباله‌رو سیاست‌های استعمار جهان‌خوار جهت چپاول ثروت‌های کشورها بدانند و جمعی دیگر از اندیشمندان آن را فرصتی مناسب برای قرار گرفتن در مسیر جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته بدانند. معانی و مفاهیم وسیع و متعدد جهانی‌شدن، پیش از آنکه نتیجه یک سرگشتگی ناشی از ضعف آگاهی و فرهنگ باشد، نمایان‌کننده شروع مرحله‌ای از تغییرات عمیق و ژرف جهان‌شناختی است. جهانی‌شدن می‌تواند با فرهنگ مهدویت و منجی‌گرایی و ظهور منجی که در آینده می‌تواند مهم‌ترین رویداد بشری باشد، ارتباط عمیق و گسترده‌ای داشته باشد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که جهانی‌شدن چه نقشی در زمینه‌های ظهور دارد؟ به عنوان فرضیه به نظر می‌رسد که ضمن عقیده به حتمیت ظهور، جهانی‌شدن با رویکرد مثبت و منفی خود زمینه را برای ظهور منجی عالم بشریت فراهم کرده است، تا با استقرار حکومت واحد جهانی، به هر آنچه از ظلم و جور در جهان تاکنون رخ داده، پایان دهد. موضوع اصلی مهدویت ریشه‌کنی ستم‌ها و تبعیض‌ها از جامعه بشری بوده و باعث استقرار یک نظام اجتماعی جهانی بر مبنای مساوات و برابری می‌شود. پژوهش حاضر درصدد است جهانی‌شدن را به‌مثابه

زمینه‌ساز ظهور مورد بررسی قرار دهد.

۲. پیشینه پژوهش

سیدیان (۱۳۹۰) با استفاده از روش تحلیل مفهومی، به واکاوی مفهوم جهانی شدن و جهانی‌سازی و دیدگاه اسلام در این زمینه پرداخته است. بهروزی لک و کفیلی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی»، با روش تحلیل محتوا و روش آینده‌پژوهشی، جایگاه آموزه عدالت مهدوی را در تحقق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب بررسی کرده است. هابرماس (۱۳۸۶) در کتاب «جهانی‌شدن و آینده دموکراسی»، به بررسی مقوله جهانی‌شدن و آینده دموکراسی پرداخته است. فوکویاما (۱۳۷۱) در کتاب «پایان تاریخ و انسان واپسین»، به بررسی انسان واپسین در پایان تاریخ اقدام کرده است. امیدی نقلبری (۱۳۹۳) نیز در کتاب «اسلام، جهانی‌شدن و جهانی‌سازی»، تفاوت‌های جهانی‌سازی و جهانی شدن را بررسی کرده است. نوآوری این پژوهش در آن است که مقوله جهانی شدن در ابعاد مختلف را با مفاهیم مهدویت و زمینه‌های ظهور مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

۳. بحثی مفهومی در باب مهدویت و جهانی‌شدن

۳-۱. مهدویت

لغت مهدویت بیان‌کننده نام حضرت مهدی(عج) است؛ یعنی تفکر و اندیشه‌ای که محوریت و مباحث آن مربوط به امام زمان(عج) است. ماحصل و حقیقت مهدویت این است که با وجود آن، جوامع جهانی به سوی یک جامعه واحد و سعادت، امنیت، رفاه، همکاری و همدلی، همبستگی حکومت حق و عدل، غلبه بر باطل، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران و خلافت شایستگان و مومنان به رهبری یک فرستاده الهی حرکت می‌کنند که هم انبیاء و ادیان الهی آمدنش را وعده داده‌اند و هم دوازدهمین خلیفه خاتم پیامبران است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص۱۹). فرهنگ انتظار از مهم‌ترین عوامل امیدآفرینی در جوامع شیعی بوده است. این فرهنگ اولین بار توسط پیامبر اکرم(ص) مطرح و پس از آن در دوران ائمه(ع) به‌صورت گسترده ترویج شد (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج۱، ص۳۳۱). از آنجاکه نام آن منجی در میان مسلمانان مهدی(عج) است، این اندیشه را با عنوان اندیشه مهدویت نامیده‌اند؛ هرچند سایر ادیان به آن اندیشه موعودگرائی و... می‌گویند. به هر حال مهدویت، یك اندیشه و تفکر برگرفته از کتاب‌های آسمانی است که با فطرت و سنن عالم خلقت موافق است. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ما منتظریم؛ یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی

و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی‌وقفه ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزش‌های انسانی محترم بوده و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسان‌ها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

۳-۲. جهانی‌شدن و ویژگی‌های آن

در زبان فارسی جهانی‌شدن همان «گلوبالیزیشن» می‌باشد که در انگلیسی به‌کار می‌رود و در عربی هم کلمات «العولمه» و «الکوکبه»، برابر با جهانی‌شدن یا جهان‌گرایی آمده است که بیشتر از کلمه «العولمه» استفاده می‌شود (صباغیان، ۱۳۸۶/۴/۲۶). مفهوم جهانی‌شدن دچار نوعی تنوع و تشتت معنایی است و موجب شده است که تعریف این مفهوم در هاله‌ای از ابهام قرار داشته باشد. این ابهام و تفاوت در تعریف جهانی‌شدن ریشه در عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد که دلیل این عدم قطعیت شاید آن باشد که «این پدیده به مرز نهایی توسعه خود نرسیده و هر روز چهره جهانی‌شدن دستخوش تغییرات وسیعی شده و هر روز جلوه جدیدی از ابعاد آن ظاهر می‌شود (هانس، ۱۳۸۱: ص۱۳). برخی معتقدند که اختلاف‌نظرها و سردرگمی‌ها درباره جهانی‌شدن، غالباً از تعریف آن آغاز می‌گردد. برخی از نظریه‌پردازان سعی کرده‌اند جهانی‌شدن را با در نظر گرفتن جنبه اقتصادی معنا کنند، ولی از نگاه برخی دیگر، جهانی‌شدن پدیده‌ای نیست که صرفاً اقتصادی باشد و می‌تواند جنبه‌های دیگری از زندگی بشری را نیز دربربگیرد، نظیر جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. برخی از تعاریفی که در این عرصه ارائه شده، به شرح زیر است که در هریک برای جهانی‌شدن مبنای خاصی را در نظر می‌گیرند.

۳-۲-۱. اقتصاد بازار آزاد

تعاملات اقتصادی جهانی در مقایسه با فعالیت‌های محدود ملی به چنان سطحی رسیده که هیچ‌گاه سابقه نداشته، و چنان بر اقتصادهای ملی اثر مستقیمی دارند که تاکنون هرگز شناخته نبود (هابرماس، ۱۳۸۰: ص۱۰۲). نظریه‌پردازانی در دنیا وجود دارند که جهانی‌شدن را عمدتاً با رویکرد اقتصادی معنا کرده‌اند. آنان وجه غالب جهانی‌شدن را به معنای افزایش روند جابجایی منابع و تولیدات میان کشورها در قالب تشکیلات سازمان‌یافته، برای اداره فعالیت‌های اقتصادی در عرصه بین‌المللی بیان می‌کنند. کومسا معتقد است که جهانی‌شدن حاصل یکپارچگی اقتصادی، مالی و زیست محیطی است (ازفاو، ۱۳۷۸: ص۱۸۲-۱۸۹).

۳-۲-۲. تضعیف جغرافیا

بدیهی است که تحولات پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه آنچه در دهه ۱۹۸۰ در عرصه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی صورت پذیرفته است، فشردگی زمان و فضا را درپی داشته است؛ به نحوی که با کاهش اهمیت جغرافیا، برخی ایده پایان جغرافیا، مرگ فاصله‌ها، ظهور یک جهان بدون مرز یا اصطلاح یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های اخیر، یعنی جهان مسطح را مطرح نمودند (جمالی، فیروز، ۱۳۷۵: ص۵). جهانی‌شدن با از بین بردن حاکمیت دولت- ملت‌ها و نادیده گرفتن مرزها، به زوال یا محدودیت جدی، گسترده و عمیق دولت‌ها منجر شده و ما عملاً به عصر پایان جغرافیا نزدیک شده‌ایم. جهانی‌شدن، پروسهی اجتماعی است که در نتیجه آن، محدودیت‌های جغرافیایی و نظام‌های اجتماعی و فرهنگی متحول و برچیده شده و به تشدید آگاهی عمومی منجر می‌شود (مالکوم واترز، ۱۳۷۹: ص۱۲). جهانی‌شدن روندی جاری است که جهان به موجب آن از ابعاد مختلف و عموماً با سرعتی شتابان به یک قلمرو اجتماعی نسبتاً بدون مرز تبدیل شده است (بایلیسن و اسمیت، ۱۳۸۱: ص۳۸-۴۱).

۳-۲-۳. توسعه فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی

برخی جهانی‌شدن را از منظر گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی می‌بینند. فوکویاما با طرح نظریه پایان تاریخ، جهانی‌شدن را به معنای گسترش فرهنگ لیبرال دموکراسی دانسته و می‌گوید: اکنون در بسیاری از نقاط جهان ایدئولوژی جهانی و مشروعی وجود ندارد که بتوان آن را در موقعیتی قرار داد که لیبرالیسم دموکراسی را به چالش بکشد (فوکویاما، ۱۳۷۱: ص۱۰۴).

۳-۲-٤. فشردگی زمان و مکان و افزایش ارتباطات

برخی جهانی‌شدن را پروسهی می‌دانند که منجربه فشرده شدن زمان و مکان و در نتیجه تراکم آگاهی انسان می‌شود. به گفته مک لوهان، به دلیل توسعه ابزارهای ارتباطی و توسعه فناوری مدرن، جوامع بشری بسیار به یکدیگر نزدیک شدند و همه در روستایی به وسعت کره زمین در کنار هم قرار گرفتند. او می‌گوید: «وقتی وارد عصر فناوری مدرن شویم، در دهکده‌ای با ابعاد جهانی زندگی خواهیم کرد» (مک لوهان، ۱۳۵۲: ص۱۵۵). رابرتسون نیز در مورد جهانی‌شدن می‌گوید: مفهوم جهانی‌شدن هم به درهم فشرده شدن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد (رابرتسون، ۱۳۷۱: ص۳۵)، همانطور که بیان شد، ارائه تعریفی جامع از جهانی‌شدن کاری دشوار است، ولی با توجه به تعابیر فوق، می‌توان چنین گفت: جهانی‌شدن عبارت است از فرایند فشردگی زمان و مکان که به‌واسطه آن عرصه‌های اقتصادی، سیاسی،

اجتماعی و فرهنگی، در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند. انقلاب ارتباطاتی جهانی، از اواخر دهه ۱۹۶۰ شروع شد؛ هنگامی که نخستین ماهواره‌ها در مدار قرار گرفت و بی‌درنگ از آن برای ارسال سیگنال‌ها از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر در روی زمین استفاده شد. ماهواره‌های امروزی می‌توانند هزاران هزار کانال ارتباطی را به طور همزمان ادراه کنند. بعضی از آنها دائماً علایمی می‌فرستند که به هواپیماها، کشتی‌ها و حتی خودروهای شخصی امکان می‌دهد موقعیتشان را با دقت بسیار بالایی تعیین کنند. در زمان حاضر نیز کیفیت و ظرفیت ارتباطات زمینی با پیشرفت‌های عمده‌ای که در زمینه فیبرنوری رخ داد، به طرز حیرت‌انگیزی افزایش یافت. اثر ترکیبی همه این پیشرفت‌های فناورانه در کاربرد رایانه‌ها، تغییر شگفت‌آور انباشت و پردازش داده‌های اطلاعاتی و.. نمایان شده است. که این امر به طور کلی توسط ماشین‌های مجزا، به استفاده از فعالیت‌های متقابل رایانه‌های کوچک و توزیع قدرت رایانه در شبکه‌های الکترونیکی انجامیده است. نمونه بارز کاربرد این شکل تازه از فعالیت متقابل رایانه‌ای، اینترنت است که در عرض کمتر از سه دهه از شبکه آزمایشی که در خدمت چند مؤسسه پژوهشی در ایالات متحده بود، به نظام جهانی هزاران هزار شبکه مرتبط با هم مبدل شده است که میلیون‌ها رایانه را به یکدیگر متصل می‌کند و به نظر می‌رسد که ظرفیت و تنوع‌ناپذیری آن نامتناهی است (محمدی، ۲۰۲۰).

٤. دیدگاه‌های مربوط به جهانی‌شدن

٤-۱. جهانی‌شدن یک فرایند است

در پروسه، کسی یا چیزی کنترلی بر ایجاد، ابقا و نظارتی بر اوضاع یک پدیده ندارد و از سرانجام آن بی‌خبر است. در حقیقت، فرایند سیر طبیعی پدیده، با فرازونشیب‌های طبیعی است. برخی اندیشمندان، جهانی‌شدن را یک فرایند می‌بینند و عقیده دارند که این تئوری، یک روند است و محتاج زمان. به اعتقاد این گروه، گرایش‌های مختلف جهانی‌شدن، از قرن‌ها پیش وجود داشته و در این باره، حتی از جهانی‌شدن سرمایه در قرن شانزده و هفده سخن می‌گویند. در این دیدگاه، فرایند جهانی‌شدن، تداوم فرایندهای کوچک‌تر قبلی است. در میان طرفداران این نظریه، عده‌ای بر این باورند که اگرچه هر پروسه، محصول فرایند قبل است، اما یک فرایند جدید بوده که چندان نمی‌توان برای آن ریشه‌ها و بسترهای دور و درازی یافت. از این‌رو، آنها فرایند جهانی‌شدن را محصول ریشه‌های سیاسی- اجتماعی دو دهه گذشته می‌دانند (سجادی، ۱۳۸۱: ص۱۸-۲۰). با توجه به این معنا، با گذشت زمان و گسترش طبیعی ارتباطات و پیشرفت اطلاعات، تسریع در حمل و نقل و فشردگی زمان و مکان، شاهد این مسئله هستیم که در عرصه‌های مختلف زندگی بشری،

تحولاتی عمیق به وجود آمده که این تحولات طبیعی، روزبه‌روز در دنیا پیوستگی و همبستگی ایجاد می‌کنند. عده‌ای نیز معتقدند که جهانی‌شدن یک فرایند است، ولی ممکن است بعدها به یک پروژه تبدیل شود. مثلاً، اروپا با رنسانس در آغاز راه توسعه قرار گرفت، با تغییر در افکار و راه‌اندازی اقتصادی، وضع داخلی خود را بهبود بخشید و به انباشت ثروت و سرمایه دست یافت و پس از آن به فکر استعمار در کشورهای مختلف افتاد و دویست سال بدبختی و بیچارگی را برای کشورهای قاره‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین به بار آورد. نظریه دیگر در این‌باره آن است که جهانی‌شدن، در مرحله نخست پروژه بوده و بعد به فرایند تبدیل می‌شود (همان). نظریه دیگر آن است که جهانی‌شدن فرایند و در عین‌حال پروژه است. پیروان این نظریه معتقدند اگر جهانی‌شدن را به عنوان یک پروژه یا فرایند تحلیل کنیم، از مضرّات و منافعی که حول پروژه یا فرایند جهانی‌شدن وجود دارد، غافل خواهیم ماند. در این نظریه، از جهانی‌شدن پروژه‌ای، به جهان‌سازی، و جهانی‌شدن پروسه‌ای، به جهانی‌شدن تعبیر می‌شود (مولانا و عاملی، ۱۳۸۱: ص۱۰). شهامی معاون دبیرکل اکو، جهانی‌شدن را یک فرایند می‌داند که بر سه مفهوم پایه‌گذاری شده است: آزادسازی تجارت، خصوصی‌سازی، و توسعه ارتباطات یا الکترونیکی‌شدن ارتباطات تجاری. حاصل اینکه، جهانی‌شدن پروسهی است بر پایه اقتصاد، باز شدن بازارها، جانشین‌شدن قوانین جهانی به جای داخلی. در این پروسه، کالاها ملیت خود را از دست می‌دهند، مگر کالاهای سنتی؛ کالاها و خدمات تحت نظریه اقتصادی مکانیزم بازار قرار می‌گیرند؛ فروشنده، تعیین‌کننده نوع کالاهایی است که به بازار می‌آورد، نه تعیین‌کننده طرف معامله (سلیمی، ۱۳۷۹: ص۲۸-۴۲).

٤-۲. جهانی‌شدن یک پروژه است

پروژه به معنای این است که یک طیف یا جریان خاصی با برنامه‌ریزی در عرصه‌های مختلف، هدف خاصی را دنبال کنند و بخواهند دیگران را به مقصدی خاص هدایت نمایند. به اعتقاد برخی، جهانی‌شدن یک پروژه است که پیش‌تر غرب به‌ویژه امریکا برای ادامه تسلّط بر جهان طراحی کرده بود که در دهه‌های اخیر، روندی رو به رشد گرفته است. طرفداران پروژه بودن جهانی‌شدن، طیف‌های مختلفی را دربرمی‌گیرند:

الف) جهانی‌شدن از آغاز به عنوان یک پروژه متولد شد و تمام آن، از پیش طراحی گردیده است؛

ب) جهانی‌شدن از درون واقعیت‌های دیگر اجتماعی زاده شده و درواقع بخشی از آن پیش‌تر طراحی شده است، نه تمام آن (سجادی، ۱۳۸۱). طبق این دیدگاه، جهانی‌شدن همان جهانی‌سازی، غربی‌سازی، آمریکایی‌سازی یا جهان‌گرایی آمریکایی است. به عبارت دیگر، نظام لیبرال دموکراسی غرب تلاش دارد با

استفاده از فن‌آوری ارتباطات رسانه‌ای، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برای کشورهای دنیا قوانینی وضع کرده و در این زمینه‌ها بر سایر ملت‌ها اعمال نفوذ کند و این همان چیزی است که از آن به نظم نوین جهانی، نظام تک‌قطبی و امپراتوری جهانی امریکا تعبیر می‌شود. لستر تارو یکی از دلایل مخالفت با جهانی‌شدن را آمریکایی بودن جهانی‌شدن دانسته و می‌گوید: جهانی‌شدن طرح ساختمانی آمریکایی است که بدون مشارکت آنان و به‌رغم اعتراضاتی که می‌کنند، در حال بنا شدن است.

٤-۳. جهانی‌شدن یک واقعیت است

جهانی‌شدن، یک واقعیت است. با پذیرش این واقعیت، دچار تناقض نمی‌شویم؛ زیرا به باور رابرتسون، بومی شدن عین جهانی‌شدن و جهانی‌شدن عین بومی‌شدن است؛ یعنی در جهانی‌شدن، همه فرهنگ‌های جهانی یکی می‌شوند، ولی فرهنگ‌های مختلف، امکان حضور و تعامل را در آن عرصه خواهند داشت. از آنجاکه جهانی‌شدن یک واقعیت است، ما در عصر جهانی‌شدن، قدرت انتخاب‌های متعدد نداریم. نتیجه سخن آنکه، جهانی‌شدن یک پروژه است و باید در مقابل آن تسلیم بود (سلیمی، ۱۳۷۹: ص۲۸-۴۲). طبق این دیدگاه، جهانی‌شدن نه پروژه است و نه پروسه. به اعتقاد برخی، «طبق این تلقی در وضعیت جهانی‌شدن مؤلفه‌هایی وجود دارد که لزوماً آنها را نمی‌توان در قالب پروژه یا فرایند تبیین نمود ... پدیده و فرصت نوظهور نه مطلقاً پیش اندیشیده است که بتوان پروژه نامید و نه بدون اطلاع جهانیان مخصوصاً کارگزاران اطلاعات بوده که بتوان پروسه‌اش خواند (بهروزی‌لک، ۱۳۸۸: ص۱۲۸). در مجموع، جهانی‌شدن نتیجه پیشرفت بی‌سابقه تکنولوژی و ارتباطات است که طی مراحل تاریخی و به صورت طبیعی محقق شده و نظام لیبرال دموکراسی غرب به رهبری آمریکا توانسته از این پدیده استفاده ابزاری کند و با مسلّط شدن بر پیشرفت‌های تکنولوژی و سایر امکانات ارتباطی، توانسته بیش از پیش اهداف مورد نظر خود را در دنیا اعمال کند.

۵. جهانی‌شدن اقتصاد و مهدویت

یورگن هابرماس در مورد بعد اقتصادی جهانی‌شدن می‌گوید: «جهانی‌شدن اقتصاد مهم‌ترین بعد جهانی‌شدن است. کیفیت تازه این وجه جهانی‌شدن کم‌تر مورد تردید کسی است. تعاملات اقتصادی جهانی در مقایسه با فعالیت‌های محدود ملی به چنان سطحی رسیده که هیچ‌گاه سابقه نداشته و چنان بر اقتصاد ملی اثر مستقیم دارد که تاکنون هرگز شناخته شده نبوده است (هابرماس، ۱۳۸۰: ص۱۰۲). در راستای ایجاد سهولت در فعالیت‌های اقتصادی، شرایطی به وجود آمده است تا مناطق دوردست و فاصله‌های مکانی و حتی زمانی، در فعالیت‌های اقتصادی بسیار کمرنگ شوند و فاصله زمانی و مکانی بین تولیدکنندگان و مصرف‌کننده‌ها

از میان برداشته شده و نوعی ارتباط و احساس مشترک بین مردمان جهان ایجاد شود. جهانی‌شدن اقتصاد، معرّف روندی است که دربرگیرنده گسترش و توسعه تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بین‌المللی شدن روزافزون بازارهای پولی، مالی و اعتباری و نیز رشد و گسترش بازارهای سرمایه خارجی است (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ص۱۰۱). داعیه‌داران جهانی‌شدن ادعا می‌کنند که درصدد رونق فعالیت‌های اقتصادی در تمام جهان هستند. اگر به صورت صحیح و کارآمد در عرصه‌های بین‌المللی پیش بروند، شاید در برخی عرصه‌ها موفقیت‌هایی کسب کنند، اما به‌صراحت می‌توان بیان کرد که طبق آموزه‌های ادیان آسمانی، به‌ویژه دین مبین اسلام، پیشرفت صنعت و تکنولوژی و شکوفایی اقتصادی در دوران ظهور منجی آخرالزمان محقق خواهد شد. روایات زیادی به وضعیت اقتصادی در عصر ظهور اشاره دارند. چشم‌انداز اقتصادی عصر ظهور به نحوی است که امام علی(ع) می‌فرمایند: «زمین میوه‌های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او بیرون می‌ریزد و کلیدهایش را به او می‌سپارد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۸). ایجاد یک اقتصاد سالم برای همه نیازمند پیشرفت دانش بشری و رشد وسایل صنعتی و حل مشکلات فنی حمل و نقل و غیره است. لازم و ضروری است که مقدمات فنی تشکیل حکومت جهانی آماده باشد و جهانی شدن می‌تواند زمینه‌های آن را فراهم نماید. خداوند نمی‌خواهد کارها با معجزه تحقق پذیرد، بلکه سیر طبیعی خود ملاک است، در غیر این صورت امام زمان(عج) ۳۱۳ یار خالص برای ظهور نیاز نداشت و با معجزه می‌توانست دنیا را فتح و ظهور کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ص۲۱۶). یکی از تحولاتی که با جهانی شدن در عرصه اقتصاد ایجاد شده، تحول در صنعت حمل و نقل و ارتباطات است. اتصال راه‌های ارتباطی و اطلاعاتی باعث تحول در بازارهای مالی و زیرساخت‌های تجارت و به‌هم پیوستگی جهانی شده است. جهانی شدن اقتصاد معارف و روایت‌های دوران ظهور و پساظهور را ملموس‌تر می‌کند. امام باقر(ع) می‌فرمایند: برای صاحب شما آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی حدیث منظور از وسیله سرکش را سوال کرده و امام(ع) فرمودند: منظور ابری است که حامل غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. صاحب شما بر این وسیله سوار می‌شود، آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار شده و به آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه صعود می‌کند (صفار، ۱۴۰۴ق: ص۴۰۹). اما جهانی شدن در بعد اقتصادی موفق نبوده است؛ اعتراضاتی که در سرتاسر جهان مانند جریان وال استریت و تظاهرات ضد جهانی شدن که اولین بار در سال ۱۹۹۹ در سیاتل آمریکا رخ داد، نشان از نارضایتی مردم جهان از برنامه‌های اقتصادی دولتمردان دارد (مورای، ۱۳۸۸: ص۲۴). در واقع جهانی شدن به ویژه جهانی شدن اقتصادی، این آگاهی را در مردم به وجود آورده که با قوانین اقتصادی موجود نمی‌شود به حق رسید و وعده‌ها امکان تحقق ندارد. لذا، تنها راه نجات، ایجاد حکومت عدل جهانی با ظهور منجی خواهد بود که در

واقع گمشده جامعه بشری امروز است.

٦. جهانی‌شدن سیاست و مهدویت

جهانی شدن سیاست یعنی مسائل و مباحث سیاسی از محدوده سرزمینی خارج و به مسائلی در سطح فراملی و منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. در عالم سیاست بسیاری از واژه‌ها با جهانی شدن، مفهوم و کارایی خود را از دست داده‌اند. به عنوان مثال، مفهوم قدرت از شکل سخت‌افزاری و نظامی‌محور خود به شکل نرم‌افزاری و اطلاعت‌محور تغییر یافته (سجادی، ۱۳۸۳الف: ص۴۰)، تا جایی که برخی نظریه‌پردازان بر این عقیده هستند که قدرت در جهان امروز در دست کسی است که رسانه در اختیار او است (بگدیکیان، ۱۳۸۲: ص۷). در عصر جهانی شده امروز، صرف داشتن سرزمین وسیع معیار قدرت نیست. جهانی شدن، حاکمیت‌های ملی را تضعیف نموده و متأثر از شرایط فراملی و منطقه‌ای و بین‌المللی کرده است. عوامل مختلفی در تضعیف حاکمیت ملی نقش دارند، یکی از مهمترین عوامل، شکل‌گیری قوانین بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی است. سازمان‌های بین‌المللی «در این معنا فراملی‌اند که نه در یک دولت، بلکه در عرصه بین‌المللی متشکل از دولت‌ها اختیار فعالیت دارند» (هیوود، ۱۳۹۲: ص۲۰۶). سازمان‌های فراملی در شکل‌گیری جهانی‌شدن بسیار تأثیرگذارند (واترز، ۱۳۷۹: ص۱۶۵). جهانی‌شدن در عرصه سیاست، حرکت به سوی حکومت جهانی و لزوم ایجاد یک قدرت برتر جهانی را یک امر ضروری می‌داند (هیوود، ۱۳۹۲: ص۲۲۰). با توجه به آموزه‌های دینی، سرانجام حکومتی الهی بر تمام دنیا حاکم می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد[1] (انبیاء: ۱۰۵). تصور شکل‌گیری چنین حکومتی، در زمان‌های گذشته امری دشوار بود، اما جهانی‌شدن سیاسی توانسته است زیرساخت‌های فکری و فیزیکی شکل‌گیری یک حکومت جهانی را فراهم کند و بسیاری از مشکلاتی که بر سر راه حاکمیت سیاسی در جهان وجود دارد را از میان بردارد. امروزه جهانی‌شدن ظرفی را فراهم ساخته که تشکیل جامعه جهانی واحدی که قرآن کریم و روایات اهل بیت وعده‌اش را داده‌اند، در آن تحقق عینی پیدا کرده است؛ چراکه در روزگاران گذشته تصور حکومت فراگیر جهانی، همواره به دلیل وجود فاصله‌های زمانی و مکانی، با ابهاماتی همراه بوده است. پیش‌تر با توجه به دشواری اداره قلمرو وسیع و جهانی، ارتباط مستقیم نفی می‌شد، اما اینک در شرایط جهانی‌شدن، فهم ارتباط مستقیم و فراگیر در عرصه جهانی، حتی فراتر از کره زمین، به مدد فن آوری‌های ارتباطی، چندان مشکل نیست (بهروزی‌لک، ۱۳۸۸:

---

۱. «وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ اَن الاْرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵).

ص۱۶۹). امام باقر(ع) می‌فرمایند: «دولت او [قائم] به شرق و غرب جهان می‌رسد» (ابن‌بابویه، ۱۳۹۵: ج۱، ص۳۳۱). بنابراین، در زمان حکومت امام زمان(عج) تمامی سرزمین‌ها در سایه یک حکومت اداره می‌شوند و همه کشورهای کوچک و بزرگ به یک کشور اسلامی به مرکزیت شهر کوفه تبدیل شده و تمامی مرزهای قراردادی ماهیت خود را از دست می‌دهند. آنچه در مورد برداشته شدن مرزها در عصر ظهور وعده داده شده، مسئله‌ای است که در عصر جهانی‌شدن بر روی آن تاکید می‌شود و عملاً در بسیاری از موارد مورد پذیرش قرار گرفته است. صاحب‌نظران در عرصه جهانی‌شدن نظریاتی از قبیل مرگ جغرافیا، نابودی مکان به‌واسطه گذر زمان، یکپارچگی زمان و مکان و فشردگی زمان و مکان را مطرح و بیان کرده‌اند که مکان جعرافیایی دیگر محل مناقشه و تعارض نیست (مورای، ۱۳۸۸: ص۱۹). ماکوم واترز می‌گوید: امکان وجود یک جهان بدون مرز به قدری زیاد شده که یک فرهنگ سیاسی مشترک در این زمینه در جوامع مختلف وجود دارد و به هر میزان حکومت‌ها دارای تعهدات ایدئولوژیک و منافع مشترک باشند، به همان نسبت برای تمرکز یا عدم تمرکز حاکمیت دولت و همچنین برای از بین بردن مرزهای حمایتی و دفاعی بین یکدیگر آمادگی پیدا خواهند کرد (واترز، ۱۳۷۹: ص۱۷۴). بنابراین، جهانی‌شدن توانسته این نکته را به افکار عمومی بقبولاند که در راستای یکی‌شدن حکومت جهانی، مرزها ماهیت قبلی خود را از دست داده‌اند و این همان مسئله‌ای است که در عصر پساظهور به صورت کامل اعمال خواهد شد. علاوه‌بر این موارد، می‌توان به صراحت بیان کرد که نظریه‌های سیاسی که در راستای بهبود وضعیت جامعه جهانی بیان و به‌کار گرفته شده، نتوانسته است انتظارات جامعه جهانی را در ابعاد مختلف، مخصوصاً در بعد سیاسی برآورده کند؛ چراکه در سایه همین نظریات ارائه شده، آثار و پیامدهای منفی بسیار زیادی گریبان‌گیر جامعه جهانی شده است؛ آثاری از قبیل تهدید کشورهای ضعیف، به‌وجود آمدن بلوک‌های قدرتمند سیاسی، به‌وجود آمدن مراکز نامرئی تصمیم‌گیری جهانی، سست کردن یا از بین بردن استقلال برخی کشورها، کاهش تسلّط دولت‌های ملی بر امور داخلی و محدودتر شدن حیطه اختیارات و قدرت آنها، گسترش تروریسم، بروز چالش‌های سیاسی- اجتماعی در حوزه‌های مختلف، ایجاد واحدهای سیاسی قدرتمند و معارض یکدیگر، قانونی‌شدن برخی حقوق ظالمانه مانند حق وتو، افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملت‌ها، افزایش جنگ و خونریزی، از بین رفتن امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌های گسترده، تبعیض‌های نژادی و... که هر کدام از اینها به نحوی باعث اعمال ظلم و ستم بر جامعه جهانی می‌شود. درنتیجه جامعه جهانی به ستوه می‌آید و در راستای از بین بردن وضعیت نامطلوب و به دست آوردن وضعیت مطلوب گام برمی‌دارد و کم‌کم تشنه منجی واقعی شده و پذیرای آمدن مصلحی می‌گردد که آنان را از این نابسامانی‌های سیاسی نجات دهد.

۷. جهانی‌شدن فرهنگ و مهدویت

جهانی‌شدن، فرهنگ‌های مختلف را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است؛ به نحوی که بُعد فرهنگی جهانی‌شدن، یکی از مهم‌ترین ابعاد آن محسوب می‌شود. گسترش شبکه‌های ارتباطی و فن‌آوری‌های رسانه‌ای در قالب کانال‌های متعدد ماهواره‌ای، افزایش دامنه اینترنت و گسترش شبکه‌ای آن در سراسر جهان، از میان رفتن مرزهای فرهنگی، رویارویی فرهنگ‌های متنوع و بسیاری از مسائل دیگر، گویای این تأثیر است. تأثیر جهانی‌شدن بر فرهنگ‌های مختلف، آنقدر عمیق است که جان تاملینسون می‌گوید: جهانی‌شدن در ذات فرهنگ مدرن نهفته است و راه و رسم‌های فرهنگی در ذات جهانی‌شدن؛ یعنی میان این دو رابطه قوام‌بخشی متقابل برقرار است (تاملینسون، ۱۳۸۱: ص۱۳). به عقیده مانوئل کاستلز، ماهیت جهانی که در حال شکل‌گیری است، اولاً و اساساً ماهیتی فرهنگی دارد. حاملان فرهنگ می‌توانند بالاترین سهم و نقش را در تحولات آتی ایفا نمایند (کاستلز، ۱۳۸۵: ج۱، ص۲۱). همچنین مالکوم واترز می‌گوید: اگرچه به‌روشنی نمی‌توان گفت که فرهنگ به عنوان عرصه‌ای متمایز از اقتصاد و سیاست، تاکنون به طور کامل جهانی شده است، ولی بیش از هر یک از دو مقوله دیگر، گرایش به جهانی‌شدن را از خود نشان داده است. این موضوع به‌ویژه در حوزه مذاهب آشکار است (واترز، ۱۳۷۹: ص۱۸۴). جهانی‌شدن فرهنگی به این معناست که فرهنگی خاص در عرصه جهانی گسترده شود؛ به نحوی که اکثر قریب به اتفاق خرده‌فرهنگ‌های اختصاصی به چالش کشیده شود و نوعی یکسان‌سازی فرهنگی را در تمام جوامع گسترده کند. در این بُعد از جهانی‌شدن تلاش شده است که از طریق زیرساخت‌هایی که جهانی‌شدن در اختیار بشریت قرار داده، آداب و رسوم و ارزش‌های خاصی، در تمام دنیا مورد توجه قرار گیرد. علاوه‌بر این، جهانی‌شدن بستری فراهم کرده تا دیگر فرهنگ‌ها نیز در عرصه‌های بین‌المللی عرض‌اندام کنند. به بیانی دیگر، در عرصه جهانی‌شدن فرهنگی می‌توان دو دیدگاه کلان را مطرح کرد. دیدگاه اول عبارت است از گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی؛ دیدگاه دوم نیز عبارت است از کثرت فرهنگی. جهانی‌شدن در حیطه فرهنگ را می‌توان مانند سکّه دورویی دانست که یک روی آن نشان‌دهنده غلبه یک فرهنگ خاص بر سایر فرهنگ‌ها است و روی دیگرش کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگی را نشان می‌دهد. یعنی همه فرهنگ‌ها را به رسمیت می‌شناسد و باعث تقویت و معرفی آنها در عرصه‌های بین‌المللی می‌شود. با توجه به رویکرد اول می‌توان بیان کرد که اندیشه فراگیر کردن فرهنگ واحد جهانی، قدمتی طولانی دارد. در امپراتوری‌هایی مانند چین یا رم و همچنین در ادیان مسیحیت و یهودیت و اسلام، چنین اندیشه‌ای به وضوح نمایان است. از منابع دینی اسلامی چنین برداشت می‌شود که سرانجام، فرهنگی که بر کل دنیا حاکم می‌شود، فرهنگ اسلام است و به‌واسطه اقدامات دولت کریمه امام زمان(عج)،

تمامی فرهنگ‌ها به چالش کشیده می‌شوند و فرهنگ غالب در عصر ظهور، فرهنگ ناب اسلامی است. با توجه به رویکرد دوم نیز می‌توان چنین گفت که جهانی‌شدن نوعی تنوع فرهنگی را رقم زده است. در این راستا، یکی از فرهنگ‌هایی که می‌تواند به‌واسطه زیرساخت‌های جهانی‌شدن به‌خوبی رشد کند و توسعه یابد، فرهنگ مهدویت است. کانون فرهنگ مهدوی را می‌توان تحقق فرج و ظهور منجی موعود دانست. هرگونه نگرش، هنجار، سنّت و شعایر خاصی که پیرامون چنین اعتقادی شکل می‌گیرد، می‌تواند در مقوله فرهنگ مهدویت قرار گیرد (بهروزی‌لک، ۱۳۸۸: ص۶۷). جهانی‌شدن توانسته است در ترویج این اندیشه سهم به‌سزایی داشته باشد. در روند تنوع فرهنگی که جهانی‌شدن ایجاد کرده، فرهنگ مهدویت که از مهم‌ترین و قوی‌ترین آموزه‌های اصیل اسلامی است، می‌تواند در این عرصه درخشندگی خاصی پیدا کند؛ چراکه فرهنگ مهدویت دربرگیرنده بسیاری از آموزه‌های دیگر ادیان است. این فرهنگ به‌واسطه زیرساخت‌های جهانی‌شدن، می‌تواند در بین فرهنگ‌های متنوع به‌خوبی عرض‌اندام کند و آموزه‌های اصیل خود را در معرض آراء و افکار جهانیان قرار دهد. چنین فرهنگی که دربردارنده بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در دیگر فرهنگ‌ها است، می‌تواند در بین جوامع مختلف ریشه بدواند. اگر پیروان فرهنگ‌های متنوع، با زیبایی‌های فرهنگ مهدوی آشنا شوند و احساس نمایند که با آموزه‌های فرهنگی‌شان تعارضی ندارد، به آن رغبت پیدا می‌کنند. به تعبیر شهید محمد صدر، اگر حضرت برای همگان شناخته شده باشد، دست یافتن به او به سادگی امکان‌پذیر خواهد بود (صدر، ۱۳۸۲الف: ص۵۱). بنابراین، جهانی‌شدن با گسترش وسایل ارتباط جمعی دریچه‌ای جدید بر روی بشریت گشوده و مفهوم ارتباطات را متحول نموده است. عصری که انسان‌ها با کشیدن نقاشی یا نوشتن یا صحبت رودررو، پیغام خود را به دیگران انتقال می‌دادند، بسیار متفاوت از دنیای امروزی است که شاهراه‌های ارتباطاتی ایجاد شده و انسان‌های دور از هم را با یکدیگر همسایه دیوار به دیوار کرده است. به پشتوانه روند روبه رشد و غیرقابل توقف فن‌آوری‌های اطلاعاتی، افرادی مانند مارشال مک لوهان سخن از دهکده جهانی می‌زند و می‌گوید: در پرتو وسایل ارتباطی الکترونیک، چهره کار و زندگی اجتماعی دگرگون می‌شود، جوامع و ملت‌ها به هم نزدیک می‌گردند و درنهایت، دهکده‌ای به پهنای کره زمین پدید می‌آید (مک لوهان، ۱۳۵۲: ص۳۸)، اما پیشرفت وسایل ارتباطی در عصر جهانی‌شدن آنقدر شدت پیدا کرده که دیگر سخن گفتن از دهکده جهانی مارشال مک‌لوهان نیز قدمت پیدا کرده و برخی از نظریه‌پردازان، ایده کلبه جهانی را مطرح می‌کنند. مانوئل کاستلز می‌گوید: «ما در دهکده جهانی زندگی نمی‌کنیم، بلکه در کلبه‌هایی فراخور حال هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطحی جهانی تولید و در محدوده محلی توزیع شده‌اند» (کاستلز، ۱۳۸۵: ج۱، ص۳۹۷).

جهانی شدن بستری را فراهم کرده که می‌تواند از جهات متعدد با مهدویت پیوند داشته باشد. با زیرساخت‌هایی که جهانی شدن فراهم نموده، می‌توان به راحتی فرهنگ مهدویت را به گوش جهانیان رساند و آنان را نسبت به این فرهنگ آشنا کرد. از سوی دیگر، جهانی شدند روایات زیادی که در مورد عصر پیش از ظهور، زمان ظهور و عصر پس از ظهور بیان شده را برای همه قابل فهم کرده است. به گونه‌ای که فهم این روایات «جز در پرتو گسترش تکنولوژی، رشد علم و اطلاعات، به عنوان جهانی‌شدن مطرح گردیده و قابل تفسیر و فهم نخواهد بود» (سجادی، ۱۳۸۳ب: ص۲۳۷). به عنوان نمونه امام صادق(ع) می‌فرمایند: «در زمان حضرت مهدی(عج)، مؤمن ساکن در شرق عالَم، برادر مؤمنش را که در غرب است، می‌بیند و مؤمن ساکن در مغرب، برادر مؤمنش را که در مشرق است، می‌بیند» (نیلی، ۱۳۸۴: ص۱۱۵). همچنین امام باقر(ع) می‌فرمایند: «همانا زمانی که قائم ما قیام کرد، خداوند به گوش‌ها و چشمان شیعیان ما مدد می‌کند تا با آنها (در هرجای دنیا باشند) حرف زند و آنها سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی‌که او در جای خود قرار دارد» (راوندی، ۱۴۰۹ق: ج۲، ص۸۴۰). امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند: «وقتی قائم ما قیام کند، در هر قسمتی از دنیا، کسی را به عنوان نمایندگی از طرف خودش معین می‌فرماید و فرمان کارش را به این مضمون صادر می‌کند که برنامه قضایی تو در کف دست تو است، پس هرگاه مشکلی پیش آید که حکم خداوند را در آن امر نمی‌دانی، به کف دستت نظر کن و آنچه را در کف دستت دیدی، همان تکلیف تو است و به آن عمل کن» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ص۳۱۹). تعابیری که در چنین روایاتی بیان شده، برای نسل‌های گذشته اموری شگفت‌انگیز بود و فقط با داشتن روحیه تعبدی می‌توانستند آنها را بپذیرند. اما امروزه به‌واسطه جهانی‌شدن و پیشرفت ارتباطات و زیرساخت‌های اطلاعاتی، چنین روایاتی نه‌تنها برای متشرعین، بلکه برای کسانی که اعتقادات دینی هم ندارند، ملموس و برای همگان قابل درک است. علاوه‌بر این موارد، جهانی‌شدن فرهنگی آثار و پیامدهای منفی زیادی را رقم زده که برخی از آنها عبارتند از: تخریب مفاهیم فرهنگی، تخریب هویت‌های محلی، ملی و مذهبی، تغییر مرزبندی‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، ایجاد تضاد، تعارض و گسست فرهنگی، استحاله و اضمحلال و نابودی فرهنگ (امیدی نقلبری، ۱۳۹۳: ص۱۰۶). استعمار رسانه‌ای، کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، از بین رفتن امنیت فرهنگی، افزایش شبیخون فرهنگی، سکولاریزه‌شدن مفاهیم فرهنگی، گسترش و ترویج فساد و بی‌بندوباری، تغییر ذائقه ملت‌ها، بحران‌های فرهنگی و هویتی ... که هر کدام از این آثار منفی، نوعی ظلم و ستم است که به‌واسطه جهانی‌شدن بر جوامع گوناگون، اِعمال می‌شود و باعث ترویج فرهنگ‌های فاسد و دردسرساز، در جوامع بشری شده است. چنین فرهنگی که جهانی‌شدن برای جوامع گوناگون به ارمغان آورده است، در پرشدن زمین از ظلم و ستم، نقش اساسی دارد.

این روند، جامعه بشری را در زندانی سرشار از ظلم و ستم که به وسعت دنیا است، محبوس می‌کند. در چنین زندانی قاب زرین ارزش‌های اخلاقی شکسته می‌شود و ارزش‌هایی باژگونه برای مردم به تصویر کشیده می‌شوند. نتیجه این نابسامانی‌های فرهنگی، فشارها و ظلم و ستم‌هایی است که از طرف ارزش‌های اومانیسمی بر جامعه جهانی اعمال می‌شود؛ انفجار فرهنگی یا انقلاب و خیزش اجتماعی گسترده‌ای است که در راستای آزاد شدن از اسارت این نابسامانی فرهنگی و رهایی از چنین زندانی و ورود به دنیای پساظهور است.

۸. نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن امتداد مدرنیته است و برخی آن را پسامدرن و کاملاً جدا از دوره مدرن می‌دانند. اما هر تصویری از جهانی‌شدن داشته باشیم، این امر پذیرفته شده است که بر اثر جهانی‌شدن، فناوری اطلاعات به‌طور گسترده در دسترس عموم قرار گرفته است؛ به همین دلیل انحصار دولت‌ها بر انباشت، کنترل و مدیریت اطلاعات از بین رفته و دولت‌ها از این امتیاز محروم شده‌اند. این امر نظام سلسله‌مراتبی را ویران ساخته و قدرت را میان بازیگران فردی و جمعی بسیار توزیع کرده است. جهانی‌شدن می‌تواند با فرهنگ مهدویت و ظهور منجی که در آینده می‌تواند مهم‌ترین رویداد بشری باشد، ارتباط عمیق و گسترده‌ای داشته باشد. جهانی‌شدن می‌تواند تهدیدی باشد که جامعه جهانی درگیر آن شده است. پدیده جهانی‌شدن، در عرصه‌های زیادی از نظام بشری دخالت دارد. به طوری که انجام کوچک‌ترین کاری در یک گوشه از دنیا می‌تواند تاثیرات زیاد و شگرفی بر بشریت یا دولت‌ها در دورترین نقاط بگذارد و عملاً مرزهای جغرافیایی اهمیتی را که داشتند، از دست بدهند. در این پژوهش به بیان برخی ابعاد جهانی شدن پرداخته شد و نقش آنها در زمینه‌های ظهور مورد بررسی قرار گرفت. در بعد اقتصادی جهانی‌شدن، رشد صنعت و تکنولوژی موجب تحول در صنعت حمل و نقل شده است. از سویی دیگر پررنگ شدن نقش عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در توسعه اقتصادی و ناکام ماندن نهادهای اقتصادی بین‌المللی در تحقق نیازها و شکوفایی اقتصادی نیز مسئله‌ای دیگری است که به آن اشاره شد. این ویژگی‌ها مقدمات فنی ظهور و تشکیل حکومت جهانی را فراهم نموده است. از سوی دیگر، موجب ناامیدی مردمان از عملکرد داعیه‌داران جهانی‌شدن و خیزش علیه آنان و منجی‌باوری شده است. در بُعد سیاسی پیش از عصر جهانی‌شدن و ظهور شاخصه‌های آن ازجمله فراهم شدن بستر گسترش ارتباطات و ارتباطات، حاکمان به دلیل فقدان آگاهی سیاسی مردم و عدم ارتباط با مردم سایر سرزمین‌ها، مستبدانه و با اقتدارگرایی حکومت می‌کردند. اما جهانی‌شدن موجب هویت‌بخشی به آحاد جامعه بشری گردید و آنان به حقوق خود آشنا شدند. از سوی دیگر، تضعیف حاکمیت ملی و ایجاد نهادهای سیاسی

بین‌المللی، کمرنگ شدن مرزهای بین‌المللی، سرخوردگی جامعه جهانی از نظام‌های سیاسی دنیا و... موجب پذیرش نظریه حکومت جهانی عدالت‌گستر در اذهان جهانیان شد. در بعد فرهنگی نیز گسترش شبکه‌های ارتباطی، فن‌آوری‌های رسانه‌ای تبادل فرهنگی و... موجب آگاهی‌بخشی نسبت به شخص و شخصیت مهدی موعود شده است. مبنای تفکر مردم‌سالاری که زمینه‌ساز ظهور بوده، بر این اصل استوار است که هر تغییری در جامعه، با اراده و خواست خود آنان محقق می‌شود. خداوند در قرآن بیان فرموده است که: «إنّ اللهَ لا یغَیرُ ما بِقَوْمٍ حَتی یغَیرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). در واقع خداوند وضعیت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه خود آنان حال خود را تغییر دهند. نکته قابل تأمل این است که روایات زیادی که درباره ظهور امام زمان(عج) وجود دارد، بر تغییر درونی مردم و نیاز حقیقی آنان به منجی نمایان است. به گونه‌ای که وجود مقبولیت عمومی، بسترساز ظهور ایشان است و آگاهی‌بخشی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در بستر جهانی‌شدن می‌تواند این تغییر بنیادین را ایجاد کند.

منـابـع

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). *کمال‌الدین و تمام النعمة*. تهران: کتابفروشی اسلامیه، ج۱.

ازفاو، کومسا (۱۳۷۸). جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی و تأثیر آن بر کشورهای در حال توسعه. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی. *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۴۷-۱۴۸.

افروغ، عماد (۱۳۸۷). *ما و جهانی‌شدن*. تهران: سوره مهر.

امیدی نقلبری، مهدی (۱۳۹۳). *اسلام، جهانی‌شدن و جهانی‌سازی*. قم: پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.

بایلیسن، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۱). دنیای در حال جهانی‌شدن. ترجمه محمدرضا حسن‌زاده. *رشد آموزش علوم اجتماعی*، شماره ۲۲.

بگدیکیان، بن.اچ. (۱۳۸۲). *انحصار رسانه‌ها*. ترجمه داود حیدری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

بهروزی لک، غلامرضا؛ کفیلی، رضا (۱۴۰۱). نقش و جایگاه آموزه‌های مهدویت در تحقّق اهداف بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر آموزه عدالت). *مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۱(۱)، ص۷-۲۷.

بهروزی‌لک، غلامرضا (۱۳۸۸). *سیاست و مهدویت*. قم: مؤسسه آینده روشن؛ پژوهشکده مهدویت.

تاملینسون، جان (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن و فرهنگ*. ترجمه محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

جمالی، فیروز (۱۳۷۵). جایگاه فلسفه و جهان‌بینی در جغرافیا. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۳۹(۱۶۱-۱۶۰).

حق‌شناس، محمدجواد (۱۳۹۳). *دولت ملی در عصر جهانی‌شدن*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹/۱۲/۱۱). *دیدار اقشار مختلف مردم با رهبر انقلاب در سالروز میلاد حضرت ولی‌عصر*. قابل دسترس در: https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=487

رابرتسون، رولند (۱۳۷۱). *جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی*. ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر ثالث.

راوندی، سعید بن هبةالله (۱۴۰۹ق). *الخرائج و الجرائح*. قم: مطبعة العلمیة، ج۲.

سجادی، سید عبدالقیوم (۱۳۸۳/ ب). *درآمدی بر اسلام و جهانی‌شدن*. قم: بوستان کتاب.

سجادی، سید عبداللطیف (۱۳۸۳/ الف). *ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی*. قم: انتشارات چهارده معصوم.

سجادی، سید محمدکاظم (۱۳۸۱ خرداد). مخاطرات و فرصت‌های جهانی شدن. *روزنامه ایران*، ص۱۸-۲۰.

سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۷۹). نقش دین در حقوق بین‌الملل. *معرفت*، شماره ۳۶، ص۲۸-۴۲.

سیدیان، سید مهدی (۱۳۹۰). جهانی‌شدن و جهانی‌سازی اسلامی. *معرفت*، ۲۰(۹).

شهرام‌نیا، امیر (۱۳۸۵). *جهانی‌شدن و دموکراسی در ایران*. مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۷). *اصالت مهدویت*. قم: انتشارات حضرت معصومه(س)، ج۲.

صباغیان، علی (۱۳۸۶/۴/۲۶). مفاهیم: جهانی شدن چیست؟ *همشهری آنلاین*، قابل دسترس در: https://b2n.ir/z17912

صدر، محمد (۱۳۸۲/الف). جهانی‌شدن و نقش آن در زمینه‌سازی ظهور. *کلام اسلامی*، ۲۶(۱۰۳)، ص۷۹-۱۰۰.
صدر، محمد (۱۳۸۲/ب). *تاریخ غیبت کبری*. تهران: نیک معارف.
صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد(ع)*. قم: مکتبة آیةالله المرعشی.
فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۱). *پایان تاریخ و انسان واپسین*. ترجمه عباس عربی و زهرا عربی. تهران: انتشارات سخنکده.
کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج۱.
محمدی، محمد (۹ آگوست ۲۰۲۰). رویارویی جغرافیا و فضای مجازی. *روزنامه صبح کابل*.
مک لوهان، مارشال (۱۳۵۲). *آینه‌های جیبی*. ترجمه ابراهیم رشیدپور. تهران: انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *حکومت جهانی مهدی*. قم: نسل جوان.
مورای، وارویک ای. (۱۳۸۸). *جغرافیای جهانی‌شدن*. ترجمه جعفر جوان و عبدالله عبدالهی. تهران: نشر چاپار.
مولانا، حمید؛ عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۱). بررسی ابعاد فرهنگی سیاسی جهانی‌شدن و پیامدهای آن. *معرفت*، شماره ۵۵.
نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة*. تهران: مکتبة الصدوق.
نیلی، بهاءالدین (۱۳۸۴). *شادی اهل ایمان به نشانه‌های ظهور صاحب الزمان*. قم: دلیل ما.
هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). *جهانی‌شدن و آینده دموکراسی*. ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر مرکز.
هابرماس، یورگن (۱۳۸۶). *جهانی‌شدن و آینده دموکراسی*. مترجم: منظومه پساملی. تهران: انتشارات نشر مرکز.
هانس، پیتر مارتین (۱۳۸۱). *دام جهانی شدن. تهاجم به دموکراسی و رفاه*. مترجم حمیدرضا شهمیرزادی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
هلد، دیوید؛ مک گرو، آنتونی (۱۳۸۲). *جهانی‌شدن و مخالفان آن*. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
هیوود، اندرو (۱۳۹۲). *سیاست*. ترجمه عبدالرحمان عالم. تهران: نشر نی.
واترز، مالکوم (۱۳۷۹). *جهانی‌شدن*. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.